

## آینده مواجهه ایران و آمریکا در دولت بایدن

احسان کیانی\*<sup>۱</sup>

ابراهیم حاجیانی<sup>۲</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

با توجه به استقرار دولت بایدن در ایالات متحده، تحلیل آینده روابط و مواجهه ایران و آمریکا ضرورت جدی دارد. لذا مساله اصلی این نوشتار، شناسایی سناریوهای محتمل در این خصوص می‌باشد. از لحاظ روش‌شناسی این پژوهش با رویکرد آمیخته (کمی و کیفی) انجام شده و داده‌ها با رویکرد بازیگر محور و با استفاده از نرم‌افزار بازیگر محور مکتور تحلیل شده‌اند. یافته‌های خبرگی نشان می‌دهد به جز دو بازیگر محوری ایران و آمریکا، دیگر بازیگران مؤثر شامل اسرائیل، چین، روسیه، عربستان، ترکیه، سوریه و عراق می‌باشند. سناریوی محتمل، توافق هسته‌ای و رقابت منطقه‌ای است که در آن برخی اهداف تمامی بازیگران به طور نسبی محقق می‌شود. زیرا بر مبنای ایده موازنه قدرت، هم ایران با رفع تحریم‌ها تا حدی عمق راهبردی خود را بهبود می‌بخشد و هم آمریکا از رشد برنامه هسته‌ای ایران جلوگیری می‌کند. علاوه بر اینکه در سطح منطقه‌ای نیز با مدیریت تنش، از خصومت اجتناب شده و البته به سوی همکاری نیز حرکت نمی‌کند.

### واژگان کلیدی:

ایران، آمریکا، تحلیل بازیگر، توافق هسته‌ای، رقابت منطقه‌ای.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای مطالعات منطقه دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه شاهد

\* نویسنده مسئول: Email: e1386k@gmail.com



## مقدمه

ارزیابی افق‌های دیپلماسی و کیفیت روابط جمهوری اسلامی و قدرت‌های بزرگ با توجه به رقابت‌های منطقه‌ای و موقعیت ژئوپلیتیک ایران در غرب آسیا، ضرورتی آشکار و مبرهن است. تدوین پیش‌بینی‌ها و احصای سناریوها می‌تواند چشم‌انداز روشن‌تری از سیاست خارجی ایران ارائه دهد. این امر می‌تواند مورد بهره‌برداری پژوهش‌گران و کارشناسان و هم‌چنین تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی قرار بگیرد. ضرورت بررسی نوع مواجهه ایران و آمریکا با توجه به سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های پس از انقلاب که بسیاری از روابط و رفتارها، حتی نسبت به دیگر بازیگران از این مواجهه تأثیر پذیرفته، روشن می‌شود. چنان‌که خروج ایران از سنت و عضویت در جنبش پیمان عدم تعهد و نوع رابطه با دولت‌های عربی متحد غرب از این جمله می‌باشند (جعفری‌موحد، ۱۳۹۴). تنش‌های ایران و آمریکا متأثر از دو مسأله، به سطحی بالاتر افزایش یافت. اول اشغال عراق که با قدرت‌گیری گروه‌های شیعی پس از سقوط صدام، این کشور را به «ناحیه خاکستری» معارضه ایران و آمریکا بدل ساخت (Eisenstadt, 2021). دوم پرونده هسته‌ای ایران و به‌خصوص ارسال آن از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل که اهرم‌های فشار آمریکا علیه ایران را افزایش داد (Ross, 2021). هر چند توافق برجام در دولت اوباما توانست به طور موقت تنش در این پرونده را کاهش دهد ولی خروج آمریکا از توافق در دولت ترامپ، بار دیگر موجب تشدید تضادها هم در این پرونده و هم منازعات منطقه‌ای شد. چنان‌که با ترور سردار سلیمانی توسط آمریکا و سپس حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد، سطح تنش به مقابله مستقیم رسید (Satloff, 2022). اکنون گرچه با استقرار دولت بایدن امیدها به احیای توافق هسته‌ای بیشتر شده ولی افزایش بی‌اعتمادی میان طرفین، پایداری توافق هسته‌ای و آینده تنش‌های منطقه‌ای را با ابهام روبرو ساخته است. با توجه به اهمیت نوع مواجهه ایران و آمریکا در سیاست‌گذاری‌های دیپلماتیک، تجارت خارجی و حتی سیاست‌های اقتصادی تولیدی و توزیعی متأثر از تحریم‌ها، آینده مواجهه این دو بازیگر از اهمیت بسیاری برخوردار است. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است تا با رویکرد آینده‌پژوهی به روش مراجعه به نخبگان و نرم‌افزار بازیگرمحور، سناریوهای احتمالی را استخراج نماید.

## مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### مبانی نظری پژوهش

مفهوم موازنه قدرت از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریات واقع‌گرایانه و نواقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل است. در ادبیات روابط بین‌الملل، نه صرفاً نبردها و منازعات بلکه ائتلاف‌ها، اتحادها و همکاری‌های

میان بازیگران جهانی و منطقه‌ای نیز در چارچوب موازنه قدرت، قابل ارزیابی و ردیابی است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰). نتیجه این موازنه در حالت حداکثری، گرایش به سوی نوعی همکاری‌های جمعی و چندجانبه‌گرایانه برای عبور از بحران‌ها در بلندمدت می‌باشد. در حالت حداقلی نیز به نوعی جنگ سرد و تقلیل منازعات از حالت نظامی و سخت به مواجهه‌های تعدیل‌یافته‌تر می‌انجامد که در کوتاه‌مدت به تثبیت برخی پرونده‌های اختلافی و در بلندمدت به کنترل طیف گزینه‌ها و روش‌های حل منازعه منجر می‌شود. کنت والتز در چارچوب واقع‌گرایی ساختاری از موازنه قدرت سخن گفته و آن را نه یک انتخاب بلکه یک مسیر محتوم برای دولت‌ها به هدف حفظ امنیت و بقای خود خواند (Waltz, 1979: 125). موازنه قدرت در اندیشه والتز مانند «دست نامرئی» در نظریه تنظیم بازار آدام اسمیت کاربرد می‌یابد. در واقع رقابت در عرصه بین‌المللی، یک بازی با حاصل جمع صفر است و چنانچه بر قدرت یکی افزوده گردد، از قدرت دیگری کاسته خواهد شد (شریف‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۱). دولت‌ها در برابر تهدیداتی که امنیت ملی و بقای آن‌ها را با خطر مواجه کند، سعی می‌کنند با برقراری توازن از قدرت، مانع حمله و هژمونی آن، حداقل در محدوده ژئوپلیتیک خود شوند. حتی اگر قدرت مقابل، فراتر از نیروی آن‌ها باشد. این توازن می‌تواند به شکل داخلی (افزایش قدرت درونی) و یا خارجی (شکل‌گیری ائتلاف‌های بیرونی) باشد. دیگر قدرت‌ها در مناقشه دو قدرتی که یکی دیگری را به چالش کشیده، با اقدام به بی‌طرفی می‌کنند و یا سعی می‌کنند با همکاری یکی از دو قدرت، از شکل‌گیری تهدید هژمونیک علیه منافع خود جلوگیری کنند. سه انتخاب راهبردی پیش‌روی قدرت‌های درگیر در منازعه قدرت در نظام بین‌الملل وجود دارد: موازنه قوا، دنباله‌روی و اتحاد و یا کناره‌گیری و بی‌طرفی (سازمند و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵۶-۲۶۱). تشدید منازعات چین و آمریکا در حوزه‌های اقتصاد بین‌الملل و تا حدی رقابت‌های تسلیحاتی و هم‌چنین توسعه‌طلبی روسیه در شرق اروپا علیه گسترش ناتو در اوکراین و گرجستان، نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد رقابت قدرت در عرصه جهانی، رقابتی با حاصل جمع صفر است.

در این پژوهش در چارچوب مفهوم موازنه قدرت، ایران به عنوان یک قدرت تجدیدنظرطلب پس از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا، منافع آمریکا و حضور نظامی آن در این منطقه را به خطر انداخته است. طبق اسناد امنیت ملی آمریکا، قدرت این کشور در غرب آسیا و منطقه خلیج فارس، پس از پیروزی انقلاب توسط ایران، به چالش کشیده شده است (جهانیان و اسلامی، ۱۳۹۹). دولت آمریکا نیز به تقویت ائتلاف‌هایی مانند «شورای همکاری خلیج فارس» و افزایش توان بازدارندگی رژیم صهیونیستی پرداخته است. دیگر دولت‌های مهم و مؤثر منطقه‌ای و جهانی نیز در این مواجهه، یکی از دو سیاست دنباله‌روی یا کناره‌گیری را اتخاذ کرده‌اند. توافق

ابراهیم میان امارات و بحرین با اسرائیل و هم‌چنین روابط مساعد چین، روسیه و ترکیه با این رژیم نشان می‌دهد آن‌ها عمدتاً از سوگیری مساعد نسبت به ایران و متحدانش در محور مقاومت اجتناب کرده‌اند (Yadlin, 2022). سوریه و گروه‌های مقاومت در لبنان و عراق و یمن در مقابل آمریکا و اسرائیل قرار گرفته‌اند و دولت عراق سعی در حفظ ثبات و موقعیت مرکزی خود در میانه این تقابل داشته است. این پژوهش بر این مبنای نظری درصدد شناسایی و درک سناریوهای محتمل مواجهه ایران و آمریکا در میان‌مدت در دولت جو بایدن است. سناریوهایی که تبیین دقیق‌تر آن‌ها می‌تواند در ارائه راهکارهایی برای بهبود موقعیت منطقه‌ای و تأمین منافع ملی، مفید باشد.

### پیشینه پژوهش

پیش‌تر پژوهش‌هایی در خصوص آینده روابط ایران و آمریکا صورت گرفته که به برخی موارد می‌توان اشاره داشت. سیف‌زاده و ملکی‌سعیدآبادی در «چشم‌انداز ۲۰ ساله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات توزیع جایگشتی» (۱۳۹۰) سناریوهای چگونگی تغییر فاز روابط دو کشور از رویکرد تقابلی به تعاملی را بیان داشته‌اند. درویشی و هم‌تی در مقاله «چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۵) بیان داشتند که سیاست مقابله‌گرایانه توأم با همکاری‌های محدود به ویژه در مسائل منطقه‌ای، محتمل‌ترین گزینه آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران در دهه آینده خواهد بود. فوزی و پیرزادی در «آینده‌پژوهی روابط ایران و قدرت‌های بزرگ، آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه» (۱۳۹۷) با مدل تحلیل روند و احصای پیشران‌های مهم بدین دست یافتند که تخاصم و تقابل میان ایران و آمریکا در تمامی حوزه‌های معنایی و مادی تداوم خواهد یافت. مینایی و فرهادی‌نژاد نیز در «روندپژوهی تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۷) با رویکرد کیفی و تحلیل زمینه‌ای به این رسیده‌اند که تقویت حضور نظامی در خلیج فارس، محدودسازی نتایج اقتصادی برجام، نفوذ امنیتی، ایران‌هراسی در عرصه اجتماعی، حملات سایبری علیه زیرساخت‌ها و تلاش برای تغییر ارزش‌های فرهنگی مهم‌ترین تهدیدات علیه ایران است. طباطبایی و نورانی در «آینده‌پژوهی روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا تا سال ۲۰۲۴» (۱۳۹۸) بیان داشتند که آینده‌های محتمل در روابط ایران با آمریکا شامل طیفی است که از یک‌سو منجر به تقابل نظامی میان دو طرف خواهد شد و از دیگر سو به توافقی که ایران در آن به منافع مورد نظر خود دست می‌یابد. دستیابی یا عدم دستیابی به هر یک، منوط به اجرای تجویزات ارائه‌شده خواهد بود. این مقاله از روش تأثیر متقابل روندها و رویدادها بر

یکدیگر بهره برده است. آراین منش و همکارانش در «شگفتی‌سازها و پیشران‌های مناسبات ایران و آمریکا در ۱۴۰۸» (۱۳۹۸) با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک<sup>۱</sup> مهم‌ترین پیشران‌ها و شگفتی‌سازهای مؤثر بر روابط ایران و آمریکا را احصا نمودند. مهم‌ترین شگفتی‌سازهایی که می‌توانند روند کنونی روابط را دچار تحول سازند عبارت هستند از حمله نظامی، پرونده سوریه، تحول در نگرش طرفین به حقوق بشر، آینده رهبری و گروه‌های سیاسی انقلابی در ایران. برزنونی و فرهادی در اثر پژوهشی «آینده‌پژوهی راهبردهای آمریکا برای مقابله با ایران بر پایه سناریونویسی» (۱۳۹۹) با روش سناریوپردازی، افزایش فشارهای اقتصادی، آشوب‌افکنی اجتماعی و مذاکره سیاسی را سه سناریوی محتمل در نوع مواجهه آمریکا با ایران قلمداد کرده‌اند. نیکونهاد و همکارانش در «سناریوهای آینده روابط ایران و آمریکا در افق پنج‌ساله بر اساس رویکرد سناریونویسی» (۱۴۰۰) بیان می‌دارند که از بازه ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۷؛ سناریوی ارجح افزایش رقابت و دشمنی و سناریوی محتمل، تعامل مشروط و محدود است. در میان پژوهش‌های انگلیسی‌زبان نیز می‌توان به مواردی اشاره کرد. اندیشکده خاورمیانه در یادداشتی تحت عنوان «پنج سناریو برای درگیری ایران و آمریکا» (۲۰۱۹) با اشاره به تنش‌های رخ داده در خلیج فارس با روش توصیفی، سه سناریوی منفی شامل درگیری‌های متوسط، بالا و همه‌جانبه و دو سناریوی مثبت شامل تنش‌زدایی و معامله را برای آینده مواجهه ایران و آمریکا ذکر می‌کند (Salem, 2019). مؤسسه مطالعات راهبردی نیز در گزارشی به ارزیابی روابط ایران و آمریکا در افق ۲۰۳۰ پرداخته که طبق آن، توافق هسته‌ای زمینه تعامل و تنش‌زدایی را بین طرفین فراهم خواهد کرد و سایه جنگ را از این مواجهه دور خواهد ساخت (Muzalevsky, 2015). این پژوهش با توجه به ضرورت روزآمدی سناریوهای پیشین ناظر به شرایط متغیر کنونی، به ارزیابی وضعیت در دولت بایدن نظر دارد که تاکنون کمتر از منظر آینده‌پژوهی مورد اشاره پژوهش‌گران بوده است. از منظر روشی نیز ضمن نظرخواهی از نخبگان، از تکنیک تحلیل بازیگر با استفاده از نرم‌افزار مک‌تور<sup>۲</sup> بهره برده است.

### روش‌شناسی پژوهش

آینده‌پژوهی درصدد فهم دقیق‌تر روندها و رویدادهای موجود برای شناخت آینده‌های بدیل است و دانشی است که از میان آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل‌تر و احیاناً مطلوب‌تر را شناسایی می‌کند. مؤلفه اصلی آینده‌پژوهی شناسایی بازیگران، روندها و پیشران‌هایی هستند که موجب تداوم، توقف یا تغییر آن‌ها می‌شوند. شناسایی این روندها در شرایطی که چندین بازیگر مؤثر

<sup>۱</sup>. MicMac

<sup>۲</sup>. Mactor

وجود دارند که با درجاتی از آزادی و اراده، بر روندها مؤثر واقع می‌شوند، اهمیت بیشتری می‌یابد (Gobet, 1991). در صحنه روابط بین‌الملل این پیشران‌ها عمدتاً بازیگرانی هستند که سعی می‌کنند روندهای موجود را مطابق با منافع ملی خود تغییر دهند. به همین دلیل در شرایطی که چندین بازیگر وجود داشته باشد، برای روندپژوهی از تکنیک تحلیل بازیگر استفاده می‌شود. در این تکنیک، منافع بازیگران در موضوع مورد بررسی و تأثیر و نفوذ آنان بر یکدیگر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تحلیل موقعیت ذی‌نفعان در این پژوهش، به رصد واگرایی‌ها و هم‌گرایی‌ها یا ائتلاف‌ها و تضادها در اهداف و حالات مد نظر می‌انجامد (ساسانیان، ۱۳۹۶). در تحلیل بازیگر باید به الگوهای روابط بازیگران، ادراکات بازیگران از محیط، مطلوبیت‌ها و منابع ابزارهای آنان توجه داشت (Hermans, 2009). در این پژوهش نیز به دلیل وجود بازیگرانی که در نوع مواجهه ایران و آمریکا در موضوعات مورد بحث، مؤثر هستند، از این تکنیک استفاده شده است. از آن‌جا که نوع پژوهش، کاربردی است، برای ارتقای اعتبار آن از روش مصاحبه باز با نخبگان استفاده شده است. سپس برای ارزیابی و تحلیل نظرات نخبگانی که به آنان رجوع نمودیم، از نرم‌افزار مک‌تور بهره‌برداری شده است. زیرا نرم‌افزار با محاسبات پیچیده‌ای که به انجام می‌رساند، میانگین نظرات آنان را استخراج و به صورت کمی نمایش می‌دهد. در واقع روش پژوهش، آمیخته (کیفی و کمی) بوده است. در ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای و نظرخواهی از نخبگان، بازیگران و اهداف و منافع و حالات محتمل مورد بحث قرار گرفته‌اند و در مرحله بعدی، با استفاده از نظرات کمی و نرم‌افزار مک‌تور، تبیینی از هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌های آنان در این سناریوها ارائه شده است. گام‌های این روش بدین ترتیب است (Katherine, 2020):

۱. شناسایی سناریوها: مسائل یا موقعیت‌های کلیدی که مورد بحث هستند، با مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه باز با جمعی از کارشناسان مورد شناسایی قرار گرفته است. این موقعیت‌ها مهم‌ترین حالات ممکن در نوع مواجهه بازیگران در آن موضوع هستند. این مسأله می‌تواند ایده یا موضوعی باشد که بازیگران بر سر آن به رقابت می‌پردازند.
۲. شناسایی بازیگران: بازیگران مهم و مؤثری که در آن موقعیت‌ها، دارای اثرگذاری و نفوذ هستند و منطبق با منافع خود به کنش‌گری می‌پردازند. بازیگران بر مبنای مطالعات کیفی و نظرخواهی، شناسایی شده‌اند.
۳. برآورد نفوذ بازیگران بر یکدیگر و اصرار بازیگران بر مسائل: با نظرخواهی و استفاده از پرسش‌نامه و تکمیل ماتریس نفوذ، ارزیابی نخبگان از نفوذ یک بازیگر بر تصمیم‌گیری

بازیگر دیگر اخذ شده است. در ماتریس اصرار نیز، اهمیت یک مسأله برای بازیگر و اینکه چه میزان برای تحقق آن، اراده دارد، سنجیده شده است.

۴. تحلیل میزان هم‌گرایی و واگرایی میان بازیگران: با توجه به داده‌های برآمده از دو گام پیشین، نرم‌افزار میزان گرایش یک بازیگر نسبت به مسائل کلیدی را در این مرحله تعیین می‌کند. اینکه کدامین بازیگران به کدامین سناریوها بیشتر گرایش دارند و کدامین سناریوها میزان موافقت یا مخالفت کمتری برمی‌انگیزد، در این گام روشن می‌شود.

برای افزایش روایی داده‌های این مطالعه از نظرات ۱۰ نفر از کارشناسان استفاده شده که مشخصات آنان به شرح زیر است. این افراد به دلیل دانش و تخصصی که از مقالات و یادداشت‌های پژوهشی آنان سنجیده شده و تجربه‌ای که به واسطه فعالیت در اندیشکده‌ها و نهادهای مرتبط با سیاست خارجی کشور مانند وزارت خارجه، سپاه پاسداران و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی کسب کرده‌اند، مورد رجوع قرار گرفتند.

جدول (۱) مشخصات نخبگان مورد رجوع

| مقطع و رشته تحصیلی       | دانشگاه محل تحصیل         | مقطع و رشته تحصیلی      | دانشگاه محل تحصیل         |
|--------------------------|---------------------------|-------------------------|---------------------------|
| دکترای علوم سیاسی        | دانشگاه تهران             | دکترای روابط بین‌الملل  | دانشگاه تهران             |
| دکترای سیاست‌گذاری عمومی | دانشگاه آزاد تهران        | دکترای روابط بین‌الملل  | دانشگاه شهید بهشتی        |
| دکترای مطالعات منطقه‌ای  | دانشگاه جامع امام حسین(ع) | دکترای مطالعات منطقه‌ای | دانشگاه جامع امام حسین(ع) |
| دکترای مطالعات منطقه‌ای  | دانشگاه جامع امام حسین(ع) | دکترای روابط بین‌الملل  | دانشگاه دفاع ملی          |
| ارشد علوم سیاسی          | دانشگاه تهران             | ارشد روابط بین‌الملل    | دانشگاه علامه             |

## تجزیه و تحلیل یافته‌ها

### گام اول: شناسایی سناریوها

افق این پژوهش دوران دولت جو بایدن، رییس‌جمهور کنونی آمریکا است. با مطالعات موجود و نظرات کارشناسان مذکور، و از میان ده‌ها متغیر، دو پیشران اصلی تاثیر گذار بر مواجهه آتی ایران و آمریکا در دولت بایدن، پرونده هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای در نظر گرفته شده‌اند. در این خصوص می‌توان به طور خاص به پیش‌نویس سند امنیت ملی دولت بایدن اشاره داشت

که «برنامه هسته‌ای و فعالیت‌های ثبات‌زدای منطقه‌ای ایران» را از اولویت‌های سیاست خارجی منطقه‌ای دولت آمریکا در غرب آسیا اعلام داشته است (Biden, 2021). علاوه بر پیش‌نویس سند امنیت ملی کاخ سفید، می‌توان به موارد دیگری که نشان‌گر اولویت این دو پرونده در مواجهه ایران و آمریکا هستند، اشاره داشت. نامه چهل مقام ارشد سابق کشورهای اروپایی به بایدن که هم‌اکنون در سه اندیشکده «شبکه رهبری اروپایی»، «گروه بین‌المللی بحران» و «شورای اروپایی روابط خارجی» مستقر هستند و از اهمیت تعامل با ایران به هدف «حفظ رژیم جهانی منع اشاعه و ثبات منطقه» سخن گفته‌اند (CrissGroup, April 2022). همچنین رسانه‌ها و مطبوعات نزدیک به دولت بایدن نیز اذعان دارند که هدف آمریکا از احیای توافق هسته‌ای آن است که از آن به عنوان بستری برای مذاکرات منطقه‌ای با ایران بهره‌برداری (Rome, 2022).

درباره عدم قطعیت این پرونده‌ها و حالات محتمل‌شان می‌توان گفت پرونده برنامه هسته‌ای ایران در دو حالت توافق یا عدم توافق، دسته‌بندی می‌شود. این نکته را با توجه به تجربه مذاکرات طولانی و فرسایشی میان ایران و قدرت‌های بزرگ در خصوص برنامه هسته‌ای می‌توان دریافت. به ویژه که اخیراً نیز بولتن دانشمندان هسته‌ای در گزارشی اذعان داشته که دانش هسته‌ای ایران را نمی‌توان از بین برد و توافق، تنها راه مهار این پتانسیل است (Wolfsthal, 2022). درباره عدم قطعیت منازعات منطقه‌ای نیز جدای از دو حالت صلح و یا جنگ، می‌توان حالتی تحت عنوان رقابت یا آن‌چه می‌توان جنگ سرد نامید، ترسیم نمود. در این وضعیت، طرفین سعی می‌کنند با مهار بحران از تشدید آن به سوی درگیری نظامی پرهیز کنند و در عین حال منازعات خود را به صورت دیپلماتیک، اقتصادی، نبردهای اطلاعاتی و یا نیابتی مدیریت نمایند. پس عدم قطعیت پرونده هسته‌ای در دو حالت توافق یا عدم توافق و عدم قطعیت سیاست‌های منطقه‌ای نیز در سه حالت همکاری، رقابت و خصومت، شناسایی شده است. در نتیجه به لحاظ نظری، یک ماتریس شش‌حالتی از ترکیب این دو متصور است.

جدول (۲) حالات پایدار پرونده‌های اصلی مورد اختلاف

|               | همکاری منطقه‌ای | رقابت منطقه‌ای | خصومت منطقه‌ای |
|---------------|-----------------|----------------|----------------|
| توافق هسته‌ای |                 |                |                |
| ابهام هسته‌ای |                 |                |                |

طبق مصاحبه‌های صورت‌گرفته با کارشناسان و مطالعات کتابخانه‌ای، درباره امکان پذیری تحقق سناریوها می‌توان بیان داشت که با توجه به اولویت پرونده هسته‌ای برای آمریکا، چه از منظر زمانی و چه موضوعی، وقوع همکاری منطقه‌ای در صورت عدم توافق، غیرواقع‌بینانه به نظر



می‌رسد. باربارا اسلاوین، مدیر پروژه ایران در شورای آتلانتیک، از اندیشکده‌های حامی دولت بایدن نیز میان احیای توافق هسته‌ای و ثبات منطقه‌ای ارتباط مستقیمی قلمداد می‌کند. در عین حال که بیان می‌کند توافق منجر به همکاری منطقه‌ای نخواهد شد و صرفاً از تشدید تنش در منطقه جلوگیری می‌کند (Slavin, 2022). سوبه دیگر این ارزیابی آن است که فقدان توافق هسته‌ای، تنش‌های نظامی و امنیتی میان ایران و آمریکا در عراق و سوریه را تشدید خواهد کرد (Vohra, 2022). حتی کنت مکنزی، فرمانده سنتکام (نیروی نظامی آمریکا در خاورمیانه) نیز اقرار می‌کند که برجام منفذی برای جلوگیری از یک نبرد نظامی بلندمدت و خونین است (Wright, 2022). هم‌چنین در صورت توافق هسته‌ای، شکل‌گیری خصومت منطقه‌ای ممکن است، پایداری و مانایی توافق را کاهش داده و آن را به مانند دولت پیشین آمریکا به محاق ببرد. کما اینکه اندیشکده‌های نزدیک به دولت آمریکا مانند گروه بحران نیز بر اثربخشی توافق هسته‌ای در کاهش تنش‌های منطقه‌ای تأکید داشته‌اند (CrissGroup, January 2022). در این بین چهار حالت پایدار را می‌توان متصور بود. سناریوهای موجود بر اساس ارزیابی روندهای کنونی از تحولات دیپلماتیک و نظامی منطقه و مشورت با کارشناسان مذکور، شناسایی شده‌اند. سناریوها پس از نگارش نیز برای اعتبارسنجی به رؤیت ۱۰ کارشناس موضوع رسیده است.

۱. **توافق هسته‌ای - همکاری منطقه‌ای:** در این سناریو، توافق برجام احیا شده یا توافق جدیدی با تغییراتی هر چند محدود در زمینه افزایش نظارت‌ها، توسعه زمانی بندهای غروب و هم‌چنین رفع تحریم‌های بیشتر مانند خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف و پیوستن به سازمان تجارت جهانی منعقد می‌شود. با خروج سپاه از فهرست «سازمان‌های تروریستی خارجی» وزارت خارجه، احتمال تنش نظامی میان طرفین به شدت کاهش می‌یابد. هم‌چنین سنای آمریکا با تصویب مفادی به اصلاح قانون کاتسا در خصوص بندهای ادعای حمایت ایران و به خصوص سپاه از تروریسم می‌پردازد و موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را کاهش می‌دهد. فضای تنش آلود منطقه‌ای میان ایران و آمریکا تعدیل شده و با توجه به اراده آمریکا بر خروج نظامی از منطقه غرب آسیا در بلندمدت، طرفین به مرور به سمت همکاری در حل پرونده‌های موضوعی عراق، سوریه، لبنان، یمن و افغانستان میل می‌کنند. روابط ایران و متحدان منطقه‌ای ایالات متحده مانند عربستان، امارات و بحرین حالت عادی یافته و روابط دیپلماتیک و تجاری از سر گرفته می‌شود. پایان جنگ در یمن، ثبات سیاسی در عراق و لبنان با همکاری مشترک ایران و آمریکا و هم‌چنین تدوین قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات در سوریه پس از خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا و ترکیه، از نتایج این همکاری است.

۲. **توافق هسته‌ای - رقابت منطقه‌ای:** در چنین سناریویی، برجام احیا می‌شود و کمترین تغییر در متن آن بروز می‌یابد. نظارت‌های فراپادمانی ادامه می‌یابد و تحریم‌های مصوب برجام مانند فروش نفت و مبادلات بانکی و مالی رفع می‌شوند. ولی هم پایان غروب‌های هسته‌ای و هم برتری جمهوری خواهان در انتخابات آتی کنگره منجر به مانع تراشی آمریکا در راه ورود سرمایه خارجی و هم‌چنان همکاری شرکت‌های خارجی به‌ویژه خصوصی با ایران، می‌گردد. در سطح منطقه‌ای به ویژه بین گروه‌های مقاومت و نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه، تنش‌ها و حملات متقابل ادامه می‌یابد. گرچه از شدت درگیری‌های ایران و آمریکا در خلیج فارس کاسته می‌شود. محاصره یمن اندکی کاهش یافته و نیروهای امارات و سعودی به آتش‌بسی با صنعا دست می‌یابند. خروج آمریکا از سوریه منوط به توافق در سطح ایالات متحده و روسیه و صدور قطعنامه شورای امنیت می‌گردد و در لبنان وضع تحریم‌ها بر نیروهای سیاسی نزدیک به حزب‌الله، دولت را با مشکل روبرو می‌سازد. ایران و عربستان به تدریج به سمت عادی‌سازی روابط حرکت می‌کنند.

۳. **ابهام هسته‌ای - رقابت منطقه‌ای:** این وضعیت متضمن آن است که مذاکرات احیای برجام به شکست می‌انجامد و ضمن حرکت ایران به سوی غنی‌سازی بیشتر، آمریکا نیز سخت‌گیری‌ها بر فروش نفت ایران و مبادلات بانکی را افزایش می‌دهد و مانع آزادسازی اموال بلوکه‌شده ایران می‌گردد. تحریم‌های برجام و هم‌چنین تحریم‌های دوران ترامپ تداوم می‌یابد. هم‌چنین تحریم‌های بیشتری در زمینه «ضد تروریسم» و «نقض حقوق بشر» وضع می‌گردد که امکان تجارت خارجی ایران را بیش از پیش مختل می‌سازد. صرفاً فروش محدود نفت ایران به برخی مشتریان به‌ویژه چین، ادامه می‌یابد. در سطح منطقه‌ای نبرد یمن هم‌چنان تداوم یافته و محاصره این کشور سخت‌تر می‌شود. بی‌ثباتی سیاسی در لبنان ادامه می‌یابد و در عراق، حملات متقابل گروه‌های مقاومت و نیروهای آمریکایی ادامه می‌یابد و به تلفاتی منجر می‌شود.

۴. **ابهام هسته‌ای - خصومت منطقه‌ای:** در این سناریو با فروپاشی برجام، ایران نظارت‌های پادمانی را متوقف و همه بازرسان آژانس را اخراج می‌کند. سطح غنی‌سازی به بیش از ۶۰ درصد افزایش می‌یابد و رژیم صهیونیستی ادعا می‌کند که «زمان گریز» ایران به کمتر از یک ماه رسیده است. موساد و سیا با اختلال در صنعت هسته‌ای و ترور افراد فعال در آن، تلاش می‌کنند از پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران جلوگیری کنند. شدت

تحریم‌ها افزایش می‌یابد و صرفاً چین با کسب برخی معافیت‌های محدود در برابر واردات کالاها و نیازمندی‌های اساسی بخشی از نفت ایران را می‌خرد. نیروهای آمریکایی با حملات هوایی به مقرهای حزب‌الله و نیروی قدس در سوریه، تعدادی از آنان را به شهادت می‌رسانند. عراق نیز درگیر کشاکش دولت مورد حمایت آمریکا با نیروهای نزدیک به ایران می‌شود و جمعی از رهبران این گروه‌ها بازداشت شده یا به طرز مشکوکی ترور می‌شوند. نبرد یمن با شدت بیشتر از سوی عربستان و امارات، ادامه می‌یابد. رژیم صهیونیستی سعی می‌کند با تجاوز هوایی از طریق پهپادها، به نیروها و اماکن حزب‌الله در لبنان آسیب برساند و واکنش متقابل حزب‌الله در جنوب لبنان، درگیری‌ها را تشدید می‌کند. حملات کتائب و عصاب در عراق علیه آمریکایی‌ها، تلفاتی از نیروهای نظامی ایالات متحده به همراه خواهد داشت و در خلیج فارس نیز برخی تنش‌ها میان قایق‌های تندروی سپاه با ناوهای آمریکایی رخ می‌دهد و نهایتاً به درگیری متقابل ایران و آمریکا در خلیج فارس می‌انجامد. امری که با پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات کنگره و ریاست جمهوری، تنش‌های مستقیم نظامی میان ایران و آمریکا در عراق و سوریه را در پی خواهد داشت.

### گام دوم: شناسایی بازیگران کلیدی

شناسایی بازیگران با گفتگو از طریق مصاحبه با کارشناسان صورت گرفت. فهرست اولیه بازیگران شناسایی شده علاوه بر ایران و آمریکا، شامل عربستان سعودی، امارات، اسرائیل، چین، روسیه، اتحادیه اروپا، عراق، سوریه، حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و حشدشعبی بوده است که در گفتگو و اخذ نظرات خبرگی، اهمیت امارات، حزب‌الله، انصارالله و حشدشعبی کمتر از دیگر بازیگران ارزیابی شده و به موارد ذیل محدود شده است. بنابراین علاوه بر ایران و آمریکا، مهم‌ترین بازیگرانی که طبق این پژوهش، کنش‌های آنان بر مواجهه این دو مؤثر واقع می‌شود را می‌توان چنین برشمرد. طبیعی است این صرفاً مروری بر بازیگران کلیدی است و تبیین کلی آن، مجال بیشتری می‌طلبد:

❖ اسرائیل: رژیم اسرائیل را می‌توان کنش‌گر مؤثری دانست که با توجه به پیوندهای

ایدئولوژیک با نومحافظه‌کاران و روابط دیپلماتیک، نظامی، امنیتی و اقتصادی بالا با ایالات متحده و لابی‌های قوی در ساختار سیاسی این کشور، می‌تواند بر روند اختلافات ایران و آمریکا اثرگذار باشد (موسوی‌فر، ۱۳۹۵). اهمیت این مسأله را می‌توان در تعیین دن‌شاپیرو سفیر سابق آمریکا در فلسطین اشغالی از سوی کاخ سفید به هدف تأمین نظر دولت مردان حاکم بر تل‌آویو در مذاکرات وین، دریافت (غفاری، ۱۴۰۱).

❖ **عربستان سعودی:** دولت سعودی به دلیل لابی‌گری در آمریکا، اهمیت آن در بازار انرژی و نقشی که ایالات متحده برای این دولت جهت موازنه با ایران در غرب آسیا قائل است، می‌تواند بر روند این اختلافات مؤثر باشد. این مسأله با توجه به نقش آن در تولید انرژی، خریداری تسلیحات از آمریکا و اهمیت آن در رهبری برخی کشورهای عربی، قابل ملاحظه است (Cook, 2022).

❖ **عراق:** این کشور از بازیگرانی است که به دلیل حضور مستقیم آمریکا در این سرزمین پس از سقوط صدام و هم‌چنین نفوذ ایران، عرصه تقابل این دو بوده است. مبارزه ایران با داعش، نفوذ جمهوری اسلامی را تعمیق و اختلافات را گسترش داد. موضع ایران مبنی بر خروج کامل نظامیان آمریکایی از عراق، یک تضاد منافع جدی میان دو کشور ایجاد کرده است (Smith, 2021).

❖ **سوریه:** این دولت پس از قیام‌های عربی که به جنگ داخلی و ظهور تروریسم تکفیری در این کشور انجامید، عرصه تقابل ایران با آمریکا و متحدانش می‌باشد. این تقابل در جریان دو مسأله آینده سیاسی سوریه و هم‌چنین مقدمات و تمهیدات بازسازی، خودنمایی خواهد کرد (Semenov, 2021).

❖ **اتحادیه اروپا:** اتحادیه اروپا به مثابه یک نهاد منطقه‌ای مؤثر و دارای قدرت سیاسی و اقتصادی و با توجه به پیوندهای تمدنی با آمریکا، می‌تواند بر نوع موضع‌گیری ایالات متحده در قبال ایران مؤثر باشد. هم‌چنان‌که با توجه به قطع روابط ایران و آمریکا و برخی نیازمندی‌های اقتصادی و فناوری ایران در غیاب رابطه با ایالات متحده؛ می‌توانند بر موضع ایران در پرونده هسته‌ای نیز تأثیر بگذارند (Adebahr, 2021). این مسأله با توجه به کاهش حضور آمریکا در غرب آسیا، بیشتر محل توجه است.

❖ **روسیه:** فدراسیون روسیه در سیاست‌های منطقه‌ای خود تا حدی از وضعیت فی‌مابین ایران و آمریکا تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌نهد. همکاری مسکو و تهران در بحران سوریه و با وجود اختلاف‌نظرها پیرامون رژیم صهیونیستی، از جمله این موارد است. در عین حال که مسکو علاقه‌مند به یک ایران هسته‌ای نیست و نوع مواجهه آن با پرونده هسته‌ای در مذاکرات وین نشان داد برای مهار برنامه هسته‌ای ایران نسبتاً با غرب هم‌سوئی دارد.

❖ **چین:** پکن با توجه به اهمیت راهبردی در هدف‌گذاری سیاست خارجی و واشنگتن و افزایش حضور اقتصادی و دیپلماتیکش در غرب آسیا، به ویژه با پروژه «یک کمربند،

یک جاده» می تواند در تشدید یا تضعیف اختلافات ایران و آمریکا نقش ایفا کند. چنان که همراهی اش با قطعنامه های تحریمی شورای امنیت در دوره اوباما و عدم همراهی نسبی با فشارهای ترامپ، به مثابه متغیری در تصمیم گیری های بعدی ایران، می تواند متغیری مهم محسوب شود. علاوه بر اینکه مسأله تایوان نیز در نوع مواجهه چین و آمریکا و به تبع بازیگری آن در پرونده های اختلافی دیگر ممکن است مؤثر باشد.

❖ ترکیه: آنکارا از بازیگرانی است که گرچه عضو ناتو می باشد ولی روابط آن با آمریکا مانند عربستان، اسرائیل یا دیگر متحدان منطقه ای واشنگتن نیست. ترکیه به دلیل نوع مواجهه با بحران های منطقه ای مانند سوریه، روابطش با مسکو و هم چنین قطر، در هیچ یک از دو سوی ایران یا آمریکا به طور کامل قرار نمی گیرد.

### گام سوم: برآورد نفوذ و اصرار بازیگران

در این مرحله، با استفاده از نرم افزار مکتور، دو ماتریس نفوذ و اصرار تکمیل می گردد. میانگین نظرات کارشناسان در خصوص ماتریس نفوذ مستقیم (MDI) به ترتیب زیر است. بازیگران در سطر به ترتیب از چپ به راست، ایران، آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، روسیه، عربستان، رژیم صهیونیستی، ترکیه، عراق و سوریه هستند. ماتریس نفوذ به این ترتیب است که اعداد از صفر تا ۴ از فقدان نفوذ تا بیشترین نفوذ را در بر می گیرد.

|    | IR | US | EU | CH | RU | SA | IS | TU | IQ | SY |
|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| IR | 0  | 2  | 2  | 2  | 2  | 2  | 2  | 2  | 3  | 3  |
| US | 3  | 0  | 3  | 2  | 2  | 3  | 3  | 2  | 3  | 2  |
| EU | 2  | 2  | 0  | 2  | 2  | 2  | 2  | 2  | 2  | 1  |
| CH | 3  | 2  | 2  | 0  | 2  | 2  | 1  | 1  | 1  | 1  |
| RU | 3  | 2  | 2  | 2  | 0  | 2  | 2  | 2  | 2  | 3  |
| SA | 1  | 2  | 1  | 1  | 1  | 0  | 1  | 1  | 1  | 1  |
| IS | 2  | 3  | 2  | 1  | 2  | 2  | 0  | 1  | 1  | 1  |
| TU | 2  | 1  | 1  | 1  | 1  | 1  | 1  | 0  | 2  | 2  |
| IQ | 1  | 1  | 1  | 1  | 0  | 1  | 1  | 1  | 0  | 1  |
| SY | 2  | 1  | 1  | 1  | 1  | 1  | 1  | 1  | 1  | 0  |

شکل (۱) میانگین نظرات نخبگان درباره نفوذ بازیگران

بر مبنای نتایج ماتریس مذکور در شکل شماره ۱، نرم افزار ماتریس نفوذ مستقیم و غیرمستقیم (DMII) را در شکل شماره ۲ ارائه می دهد.

|    | IR  | US  | EU  | CH  | RU | SA  | IS | TU  | IQ  | SY  | li   |
|----|-----|-----|-----|-----|----|-----|----|-----|-----|-----|------|
| IR | 16  | 15  | 14  | 13  | 13 | 15  | 12 | 13  | 15  | 14  | 124  |
| US | 17  | 16  | 15  | 13  | 13 | 16  | 13 | 13  | 16  | 14  | 130  |
| EU | 15  | 15  | 14  | 13  | 13 | 15  | 12 | 13  | 14  | 13  | 123  |
| CH | 14  | 14  | 13  | 13  | 12 | 14  | 12 | 13  | 14  | 13  | 119  |
| RU | 17  | 15  | 14  | 13  | 13 | 15  | 12 | 13  | 15  | 15  | 129  |
| SA | 10  | 10  | 10  | 10  | 9  | 10  | 9  | 10  | 10  | 10  | 88   |
| IS | 14  | 15  | 14  | 13  | 12 | 15  | 13 | 13  | 14  | 12  | 122  |
| TU | 11  | 10  | 10  | 10  | 9  | 10  | 9  | 10  | 11  | 11  | 91   |
| IQ | 7   | 7   | 7   | 7   | 7  | 7   | 7  | 7   | 7   | 7   | 63   |
| SY | 10  | 10  | 10  | 10  | 9  | 10  | 9  | 10  | 10  | 10  | 88   |
| Di | 115 | 111 | 107 | 102 | 97 | 117 | 95 | 105 | 119 | 109 | 1077 |

شکل (۲) نفوذ مستقیم و غیرمستقیم بازیگران بر یکدیگر



شکل (۳) وضعیت بازیگران در نمودار اثرپذیری و اثرگذاری

طبق ماتریس ارائه شده در شکل شماره ۲، آمریکا و عراق به ترتیب بیشترین و کمترین اثرگذاری را دارند. هم‌چنین عراق بیشترین و اسرائیل کمترین اثرپذیری را دارا هستند. ترسیم بازیگران در شکل شماره ۳، تصویر بهتری از بازیگران کلیدی را مشخص می‌کند. هم‌چنان که انتظار می‌رفت ایران و آمریکا کلیدی‌ترین بازیگران هستند که در بخش بازیگران دوگانه یا همان کنش‌گران اثرگذار و اثرپذیر قرار گرفته‌اند. اتحادیه اروپا در مرز بازیگران اثرگذار و بازیگران کلیدی قرار دارد که از نقش مهم آن در میانه مواجهه ایران و آمریکا حکایت می‌کند. به بیان دیگر اتحادیه اروپا به دلیل اجماع نظر نسبی با ایالات متحده در پرونده‌های اختلافی با ایران، از تأثیرگذاری قابل توجهی برخوردار است و از کنش این دو بازیگر اصلی یعنی تهران و واشنگتن نیز در این پرونده‌ها تأثیر می‌پذیرد.

روسیه، چین و رژیم صهیونیستی بازیگران مؤثری هستند که کمترین تأثیر را از دیگر بازیگران می‌پذیرند. ترکیه بازیگری است که هم کمترین تأثیر را می‌گذارد و هم کمترین تأثیر را می‌پذیرد. در واقع می‌توان چنین تفسیر نمود که بنا بر نظر نخبگان در این پژوهش، اسرائیل به دلیل لابی‌های قوی در آمریکا و اروپا از توان اثرگذاری بالاتری بر نوع مواجهه ایران و آمریکا برخوردار است و کمتر سیاست‌هایش را با سیاست‌های دولت‌های غربی در خصوص ایران تطبیق می‌دهد. چنان‌چه ترورهای هسته‌ای را گرچه با اطلاع ولی لزوماً در چارچوب سیاست‌های آمریکا انجام نمی‌دهد.

پس از آن روسیه است که کمترین تأثیر را از بازیگران می‌پذیرد. دلیل آن را علاوه بر هماهنگی‌های اخیر روسیه با آمریکا چه در برجام و چه در پیمان‌های کنترل تسلیحاتی می‌توان در این امر جستجو نمود که روسیه به طور مستقل از روابط مساعدی با رژیم صهیونیستی و هم‌چنین متحدان عرب آمریکا در خاورمیانه برخوردار است و در پرونده سوریه نیز با توجه به گرایش ترکیه و برخی دولت‌های عربی به حل مسأله، از شدت اختلافات کاسته شده است.

سپس چین که در عین اثرگذاری از تأثیرپذیری کمتری برخوردار است. پکن با توجه به توانمندی اقتصادی‌اش می‌تواند بر بازیگران مختلف تأثیر نهد و درباره نوع مواجهه تهران و واشنگتن، البته رفتارشان را مطابق با منافعش تنظیم می‌کند. برای مثال در دوره اوباما که سیاستش تنش‌زدایی با چین بود، به قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران رأی مثبت داد و در دوره ترامپ که به سوی تنش با چین حرکت کرد، سعی کرد در خنثی‌سازی تحریم‌ها به ایران کمک کند و اکنون در دولت بایدن بار دیگر بر ضرورت تنش‌زدایی و احیای برجام تأکید دارد.

درباره اثرپذیری عراق و سوریه با توجه به تبعات نبرد با تروریسم و ضرورت‌های بازسازی آن‌ها می‌توان گفت که هم از ایران به دلیل نفوذ محور مقاومت و هم از آمریکا و اروپا درباره عراق و هم از چین و روسیه درباره سوریه، اثرپذیر هستند. درباره دولت سعودی باید به این نکته توجه نمود که گرچه با بودجه سرشار نفتی سعی در اعمال اراده‌اش بر سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا دارد ولی نهایتاً در دولت بایدن و در شرایطی که سیاست‌های خاورمیانه‌ای کاخ سفید دستخوش تغییر شده، اثرپذیری دولت سعودی بر نوع مواجهه ایران و آمریکا، بیش از اثرگذاری آن است.

سپس بر اساس نظر نخبگان، ماتریس اصرار یا اراده بازیگران (2MAO) نسبت به مسائل کلیدی تکمیل شده است. در ماتریس اصرار اعداد از منفی ۴ به معنای کمترین مطلوبیت تا صفر فاقد مطلوبیت و ۴ بیشترین مطلوبیت را شامل می‌شود.

|   |    | A-CP | A-CM | D-CM | D_E |
|---|----|------|------|------|-----|
| ▶ | IR | 2    | 3    | 0    | -2  |
|   | US | 2    | 2    | -1   | -2  |
|   | EU | 3    | 2    | -1   | -3  |
|   | CH | 1    | 2    | -1   | -1  |
|   | RU | -1   | 1    | 1    | 1   |
|   | SA | -1   | -1   | 1    | 2   |
|   | IS | -3   | -1   | 2    | 3   |
|   | TU | 0    | 1    | 1    | 0   |
|   | IQ | 3    | 0    | -2   | -3  |
|   | SY | 2    | 1    | -1   | -2  |

شکل (۴) نظرات نخبگان درباره اصرار بازیگران بر سناریوها

در ماتریس فوق، به ترتیب A-CP سناریوی توافق و همکاری است، A-CM توافق و رقابت است، D-CM عدم توافق و رقابت و نهایتاً D-E عدم توافق و دشمنی است.

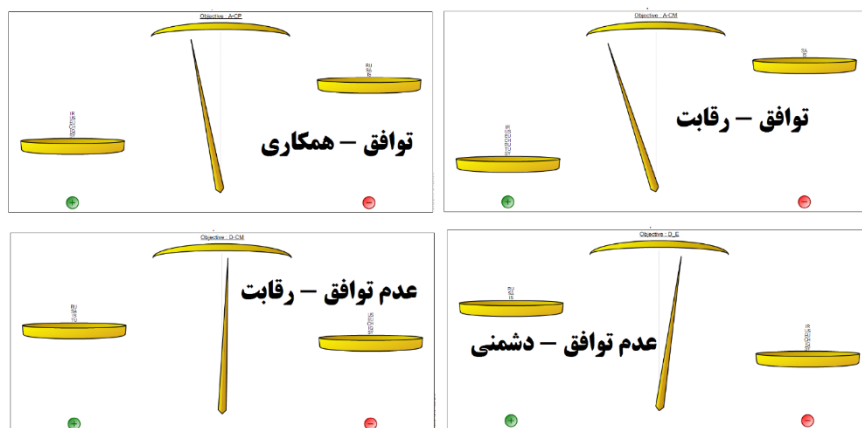
### گام پنجم: واگرایی و همگرایی

نرم افزار بر اساس علامت جبری ماتریس اصرار، ماتریس موقعیت بازیگران (IMAO) نسبت به سناریوها را ارائه می کند.

|   |                         | A-CP | A-CM | D-CM | D_E | Absolute sum |
|---|-------------------------|------|------|------|-----|--------------|
| ▶ | IR                      | 1    | 1    | 0    | -1  | 3            |
|   | US                      | 1    | 1    | -1   | -1  | 4            |
|   | EU                      | 1    | 1    | -1   | -1  | 4            |
|   | CH                      | 1    | 1    | -1   | -1  | 4            |
|   | RU                      | -1   | 1    | 1    | 1   | 4            |
|   | SA                      | -1   | -1   | 1    | 1   | 4            |
|   | IS                      | -1   | -1   | 1    | 1   | 4            |
|   | TU                      | 0    | 1    | 1    | 0   | 2            |
|   | IQ                      | 1    | 0    | -1   | -1  | 3            |
|   | SY                      | 1    | 1    | -1   | -1  | 4            |
|   | Number of agreements    | 6    | 7    | 4    | 3   | -            |
|   | Number of disagreements | -3   | -2   | -5   | -6  | -            |
|   | Number of positions     | 9    | 9    | 9    | 9   | -            |

شکل (۵) ماتریس موقعیت بازیگران نسبت به سناریوها

بیشترین موقعیت توافقی نسبت به سناریوی توافق هسته‌ای و رقابت منطقه‌ای است. کمترین توافق نیز نسبت به سناریوی عدم توافق و خصومت منطقه‌ای وجود دارد. قدرت رقابت بازیگران در تحقق سناریوی مطلوب‌شان از دیگر مواردی است که نرم افزار به صورت زیر ارائه می دهد.



شکل (۶) وضعیت سناریوها



وضعیت اراده بازیگران نسبت به چهار سناریوی مذکور نشان می‌دهد سناریوی توافق هسته‌ای و رقابت منطقه‌ای بیشترین مطلوبیت را برای بیشترین بازیگران دارد و کفه حامیان این سناریو بسیار سنگین‌تر از مخالفان آن است. در واقع به جز عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، دیگر بازیگران موضع منفی نسبت به این سناریو ندارند. پس از آن سناریوی توافق هسته‌ای و همکاری منطقه‌ای است که کفه حامیانش از مخالفانش سنگین‌تر است و البته این بار به جز دو بازیگر مذکور، روسیه نیز موضع مثبتی نسبت به آن ندارد و به همین دلیل فاصله حامیان و مخالفان کمتر از سناریوی پیشین است. در سناریوی عدم توافق هسته‌ای و رقابت منطقه‌ای، وضعیت نسبتاً مساوی است و به هر حال می‌تواند هم‌چنان سناریویی محتمل باشد. ولی سناریوی عدم توافق هسته‌ای و خصومت منطقه‌ای با توجه به کفه سنگین مخالفانش و ترجیح عمده بازیگران به عدم تحقق آن، از احتمال وقوع کمتری برخوردار است. بنابراین می‌توان بیان داشت که سناریوی توافق هسته‌ای و تداوم رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران و آمریکا از بیشترین احتمال برخوردار است و بازیگران بیشتری از وقوع آن احساس رضایت دارند. یکی از خروجی‌های مهم نرم‌افزار بر اساس نظرات گردآوری‌شده، ماتریس توان بازیگران (3MAO) نسبت به موقعیت‌های مذکور است.

|                         | A-CP | A-CM | D-CM | D_E   | Mobilisation |
|-------------------------|------|------|------|-------|--------------|
| IR                      | 2/3  | 3/5  | 0/0  | -2/3  | 8/1          |
| US                      | 2/5  | 2/5  | -1/3 | -2/5  | 8/9          |
| EU                      | 3/6  | 2/4  | -1/2 | -3/6  | 10/8         |
| CH                      | 1/2  | 2/4  | -1/2 | -1/2  | 5/9          |
| RU                      | -1/4 | 1/4  | 1/4  | 1/4   | 5/5          |
| SA                      | -0/7 | -0/7 | 0/7  | 1/4   | 3/4          |
| IS                      | -3/8 | -1/3 | 2/5  | 3/8   | 11/4         |
| TU                      | 0/0  | 0/8  | 0/8  | 0/0   | 1/5          |
| IQ                      | 1/2  | 0/0  | -0/8 | -1/2  | 3/2          |
| SY                      | 1/4  | 0/7  | -0/7 | -1/4  | 4/3          |
| Number of agreements    | 12/2 | 13/6 | 5/4  | 6/5   | -            |
| Number of disagreements | -5/8 | -2/0 | -5/2 | -12/2 | -            |
| Degree of mobilisation  | 18/1 | 15/5 | 10/5 | 18/8  | -            |

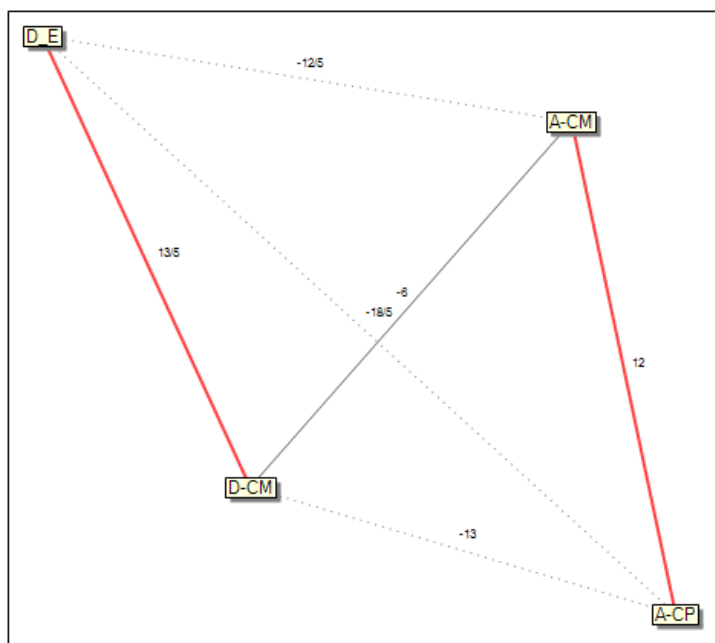
شکل (۷) ماتریس توان بازیگران نسبت به سناریوها

آمریکا، اروپا، اسرائیل و ایران، بیشترین توان بسیج نیروها و منابع را برای پیگیری منافع خود دارا می‌باشند. نتایج این ماتریس از مکتور، بیان‌گر واقعیت محیطی از منظر کارشناسان است. توان گروه‌های مقاومت در منطقه؛ در کنار توان نظامی اسرائیل؛ نیروهای نظامی آمریکا در عراق و خلیج فارس و هم‌چنین در مرتبه بعدی، حضور برخی دولت‌های اروپایی در خلیج فارس و نفوذ سیاسی آن‌ها و روابط نظامی‌شان با کشورهای عربی در منطقه، نشانه‌هایی بر این نتایج مکتور درباره توان بسیج‌گری بازیگران است. این بسیج نه‌تنها قدرت بازیگر بر هدف و مسأله مذکور بلکه

اراده او برای اعمال نفوذ بر دیگر بازیگران و کنترل محیط منطقه‌ای برای تحقق ارزش‌های مطلوب را نیز نشان می‌دهد. طبق شکل شماره ۷، عمده بازیگران توان خود را مصروف دو سناریوی توافق و همکاری و یا توافق و رقابت در منطقه می‌کنند و بیشترین مخالفت‌ها با سناریوی عدم توافق و دشمنی است. کمترین موافقت با سناریوی عدم توافق و رقابت می‌باشد. این نشان می‌دهد همان‌گونه که در ابتدای روش و در مرحله تعیین مسائل ذکر شد، عموم نخبگان معتقد هستند که سناریوی عدم توافق و رقابت منطقه‌ای، حالت پایداری برای بازیگران نیست و توان خود را مصروف آن نخواهند کرد. زیرا ناگزیر یا به سوی توافق هسته‌ای یا به سمت خصومت منطقه‌ای سوق خواهد یافت.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نمودار زیر از نرم‌افزار مک‌تور، ارتباط بین سناریوها را نشان می‌دهد.



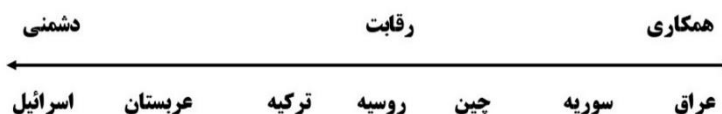
شکل (۸) ارتباط سناریوها با یکدیگر

طبق شکل شماره ۸، جابجایی میان سناریوها بدین ترتیب است که احتمال انتقال از سناریوهای توافق - همکاری و توافق - رقابت به یکدیگر و هم‌چنین سناریوهای عدم توافق - رقابت و عدم توافق - خصومت به یکدیگر بسیار بالاست. احتمال تبدیل وضعیت از حالت توافق و رقابت به

عدم توافق و رقابت، کمتر است. زیرا اهمیت حفظ توافق و مهار برنامه هسته‌ای ایران برای قدرت‌های بزرگ به خصوص آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه، راهبردی است. هم‌چنین احتمال جابجایی موقعیت میان توافق-همکاری با عدم توافق-رقابت یا عدم توافق-دشمنی، بسیار پایین است. زیرا در صورت وقوع همکاری، دستاوردهای تنش‌زدا و ثبات‌زا به گونه‌ای است که زمینه‌های منازعه را کاهش خواهد داد.

با توجه به نتایج نرم‌افزار، بیشترین اراده بازیگران نسبت به حالتی است که توافق هسته‌ای حفظ شود و تنش‌های منطقه‌ای کاهش یابد ولی در عین حال، به سمت همکاری منطقه‌ای سوق نیابد. بر مبنای ایده موازنه قدرت، ایالات متحده خواستار وادارسازی ایران به کاهش قدرت و سرعت برنامه هسته‌ای و اطمینان‌بخشی به حفظ هژمونی توان هسته‌ای رژیم صهیونیستی در خاورمیانه است. سیاست دولت بایدن بر خروج از افغانستان در سال ۲۰۲۱ و پایان جنگ یمن و خروج از عراق در آینده میان‌مدت نیز نشان می‌دهد تمایلی به حضور نظامی بلندمدت و تشدید تنش‌های منطقه‌ای با ایران ندارد. اما با توجه به لابی‌های پرنفوذ اسرائیل و عربستان در کنگره و به خصوص میان جمهوری خواهان و هم‌چنین ادعاهای حمایت سپاه از آن‌چه گروه‌های تروریستی در عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن می‌خوانند، امکان و تمایل آمریکا به همکاری منطقه‌ای با ایران که نفوذ تهران در عمق راهبردی‌اش را حفظ کند، بسیار کمتر از آن است که تصور شود. در عین حال، رژیم اسرائیل نتوانسته از طریق حملات سایبری، ترور و اخلال، سرعت رشد غنی‌سازی و مونتاژ سانتریفیوژهای نسل جدید را به حد محسوسی کاهش دهد و هم‌چنان کم‌هزینه‌ترین مسیر، توافق هسته‌ای قلمداد می‌شود. روسیه نیز از آن رو که تمایلی به افزایش قدرت هسته‌ای بازیگران منطقه‌ای و کاهش انحصار این توانمندی در حوزه پیرامونی‌اش ندارد، از مهار برنامه هسته‌ای ایران حمایت می‌کند. در عین حال که توسعه روابط و همکاری منطقه‌ای ایران و آمریکا را به جهت کاهش نقش سیاسی‌اش، مطلوب نمی‌داند. چین نیز با هدف افزایش ثبات منطقه‌ای، حامی توافق هسته‌ای خواهد بود. ولی با توجه به تشدید تقابل میان پکن و واشنگتن، همکاری تهران و کاخ سفید برای جمهوری خلق چین مطلوبیت ندارد. برعکس، تهران می‌تواند متحدی برای افزایش نفوذ منطقه‌ای چین در خلیج فارس و خروج از محاصره آمریکا در دریای چین جنوبی باشد. رژیم صهیونیستی گرچه در حالت ایده‌آل خواستار نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران، ترجیحاً توسط آمریکا است ولی مهار برنامه هسته‌ای را بر رشد سریع آن ترجیح می‌دهد. از این منظر عربستان و متحدان اقماری‌اش در خلیج فارس نیز در کوتاه‌مدت حامی این سیاست هستند. گرچه توسعه برنامه هسته‌ای خود را به عنوان یک آلترناتیو در نظر خواهند داشت. عراق و سوریه نیز کاهش تنش ایران و آمریکا را به دلیل نیاز به جذب سرمایه خارجی و

فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با بازسازی مرجح می‌دانند. ترکیه نیز مطلوبیت اقتصادی را در کاهش تحریم‌های ایران و افزایش روابط تجاری‌اش در منطقه می‌داند. به ویژه که با شرایط اقتصادی کنونی، به تراز تجاری مثبت و ورود ارز به کشور، نیازمند است. در عین حال باید گفت ایران نیز ضمن پرهیز از تقابل نظامی با آمریکا، همکاری و مذاکرات منطقه‌ای با این کشور را به دلایل ایدئولوژیک و ژئوپلتیک قابل تحقق نمی‌داند. زیرا هدف استراتژیک و بلندمدت را خروج نظامیان آمریکایی از تمامی منطقه از جمله خلیج فارس ترسیم کرده است. از سوی دیگر به خصوص پس از ترور سردار سلیمانی، با توجه به تشدید تنش میان آمریکا و گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه و وعده «انتقام سخت»، امکان همکاری منطقه‌ای با ایالات متحده به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. شکل شماره (۹) نشان می‌دهد که موقعیت بازیگران نسبت به نوع مواجهه ایران و آمریکا در دو سر طیفی که از همکاری تا رقابت و دشمنی را در برمی‌گیرد، چگونه قابل ارزیابی است.



شکل (۹) موقعیت بازیگران نسبت به نوع مواجهه ایران و آمریکا

در قیاس با یافته‌های تحقیقات پیشین، قابل ذکر است که پژوهش حاضر بر آینده مواجهه تا پایان دولت بایدن متمرکز است. همچنین وضعیت دو پرونده مهم اختلافی و دارای عدم قطعیت، یعنی برنامه هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای ایران را مورد ارزیابی قرار داده است. علاوه بر اینکه با استفاده از نظرات برخی از کارشناسان سعی شده تا اعتبار نتایج، افزایش یابد. اینکه توان و اراده مؤثرترین بازیگران، تا چه اندازه نسبت به کدامین حالات مصروف می‌شود، مهم‌ترین تمایز این پژوهش نسبت به موارد پیشین است که می‌تواند پیشنهادات و فرضیاتی برای پژوهش‌های مشابه برای دانشجویان و کارشناسان حوزه سیاست خارجی ارائه دهد.

## قدردانی

از کلیه اساتید و خبرگان محترمی که با صرف وقت ارزشمند خود در خصوص تکمیل و انجام این پژوهش ما را یاری نمودند کمال تشکر را داریم.

## منابع

- آرین منش، محمد. جوانشیری، احمد. و مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۹۸). شگفتی‌سازها و پیشران‌های مناسبات ایران و آمریکا در ۱۴۰۸. *فصل‌نامه آینده‌پژوهی ایران*. ۴(۶): ۱۱۷-۱۴۰.
- برزنونی، محمدعلی. و فرهادی، فرشید. (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی راهبردهای آمریکا برای مقابله با ایران بر پایه سناریونویسی. *فصل‌نامه آفاق امنیت*. ۱۳(۴۶): ۹۲-۱۲۴.
- جعفری‌موحد، حسین. (۱۳۹۴). رابطه ایران با ایالات متحده آمریکا؛ امکان یا امتناع؟. *فصلنامه سیاست خارجی*. ۲۹(۳): ۱۰۵-۱۳۱.
- جهانیان، شهاب. و اسلامی، سعید. (۱۳۹۹). بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قرن بیست‌ویکم. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۲۳(۱): ۱۱۵-۱۵۱.
- درویشی، فرهاد. و همتی، زهره. (۱۳۹۵). چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران. *فصل‌نامه مطالعات راهبردی*. ۱۹(۷۱): ۴۳-۷۰.
- سازمند، بهاره. عظیمی، ابوالفضل. و نظری، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). نظریه موازنه قدرت والتز: نقد و بررسی کارآمدی آن در عصر حاضر. *فصلنامه روابط خارجی*. ۲(۴): ۲۵۱-۲۷۴.
- ساسانیان، سعید. (۱۳۹۶). الگوی حکمرانی بر کرکوک عراق؛ بررسی مناقشات ذی‌نفعان با روش تحلیل بازیگر. *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی*. ۲(۴): ۱۰۹-۱۳۹.
- سیف‌زاده. حسین. و ملکی‌سعیدآبادی، امید. (۱۳۹۰). چشم‌انداز ۲۰ ساله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات توزیع جایگشتی. *فصل‌نامه روابط خارجی*. ۳(۱): ۲۰۹-۲۴۳.
- شریف‌پور، بهنام. باقری‌زاده، علی. گل‌پرور، مجید. و انوشه، امیر. (۱۳۹۹). تحلیل دگرگونی موازنه قدرت بین ایران، عربستان و آمریکا در ژئوپلتیک خلیج فارس پس از حادثه ۱۱ سپتامبر. *فصلنامه راهبرد دفاعی*. ۱۸(۷۲): ۱۳۳-۱۶۰.
- طباطبایی، سیدمحمد. و نورانی، سیدامیرسینا. (۱۳۹۸). آینده‌پژوهی روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا تا سال ۲۰۲۴. *فصل‌نامه آینده‌پژوهی ایران*. ۴(۷): ۸۱-۱۰۷.
- غفاری، مژگان. (۱۴۰۱). یک عضو دیگر از هیئت آمریکایی مذاکره‌کننده با ایران جدا شد. *این‌دین‌دنت فارسی*. قابل دسترسی در:
- فوزی، یحیی. و پیرزادی، مهدی. (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی روابط ایران و قدرت‌های بزرگ، آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه. *فصل‌نامه سیاست کاربردی*. ۱(۱): ۶۹-۱۱۲.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۰). تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. ۱(۱): ۱۳۳-۱۵۸.
- موسوی‌فر، رضیه. (۱۳۹۵). روابط ایران و آمریکا، مسأله اسرائیل. *فصلنامه سیاست*. ۴۵(۲): ۴۹۷-۵۱۴.

- مینایی، حسن. و هادی نژاد، فرهاد. (۱۳۹۷). روند پژوهی تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه آینده پژوهی دفاعی*. ۳(۸): ۷-۲۸.
- نیکونهاد، ایوب. مرادی، عبدالله. محمدی، زهره و محمدی خانقاهی، محسن. (۱۴۰۰). سناریوهای آینده روابط ایران و آمریکا در افق پنج ساله بر اساس رویکرد سناریونویسی. *فصلنامه آینده پژوهی انقلاب اسلامی*. ۲(۳): ۷-۳۵.
- Adebahr, Cornelius. (2021). Europe Is Late but Crucial in U.S.-Iran Nuclear Talks. *Carnegie*. Access in:
- Cook, Steven. (2022). Biden's Middle East Strategy Is Ruthless Pragmatism. *Foreign policy*. Access in:
- CrissGroup. (17 January 2022). The Iran Nuclear Deal at Six: Now or Never. *CrissGroup*. Access in:
- CrissGroup. (26 April 2022). Open Letter to the U.S. and Iranian Leadership about the Iran Nuclear Deal. *CrissGroup* Access in:
- Eisenstadt, Michael. (2021). Iran's Gray Zone Strategy: Cornerstone of Its Asymmetric Way of War. *Washingtoninstitute*. Access in:
- Gobet, Michle. (1991). Actors' moves and strategies: The mactor method: An air transport case study. *Futures*. 23(6): 605-622.
- Hermans, Leon. Tissen, Wil. (2009). Actor analysis methods and their use for public policy analysts. *European Journal of Operational Research*: 196(2): 808-818.
- <https://carnegieeurope.eu/2021/04/08/europe-is-late-but-crucial-in-u.s.-iran-nuclear-talks-pub-84290>
- <https://foreignpolicy.com/2022/01/07/biden-middle-east-saudi-arabia-syria-yemen-strategy/>
- <https://foreignpolicy.com/2022/04/05/iran-nuclear-deal-revolutionary-guards-irgc-terrorist-list/>
- <https://nationalinterest.org/feature/how-soleimani-strike-hurt-us-interests-iraq-198346>
- <https://thebulletin.org/2022/02/irans-nuclear-potential-can-be-cut-but-not-eliminated/>
- <https://www.al-monitor.com/originals/2021/07/confrontation-between-us-pro-iranian-groups-syria-and-iraq-poses-challenges>
- <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/the-potential-side-benefits-of-a-revived-jcpoa-for-middle-east-stability/>
- <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran/open-letter-us-and-iranian-leadership-about-iran-nuclear-deal>
- <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran/230-iran-nuclear-deal-six-now-never>

- <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2022-02-18/israels-new-strategy>
- <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2022-03-08/limits-new-iran-nuclear-deal>
- <https://www.mei.edu/publications/five-scenarios-us-iran-conflict>
- <https://www.newyorker.com/magazine/2022/01/03/the-looming-threat-of-a-nuclear-crisis-with-iran>
- <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/coming-iran-nuclear-talks-openings-and-obstacles>
- <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-gray-zone-strategy-cornerstone-its-asymmetric-way-war>
- <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/three-presidents-three-flawed-iran-policies-and-path-ahead>
- Katherine, Jenny. Eduardo, Luis. (2020). Study of scenarios associated with the development of the MACTOR Agropolis in the Middle Magdalena region of Santander- Colombia. *DYNA*. 87(212): 134-143.
- Muzalevsky, Roman. (2015). *From Frozen Ties To Strategic Engagement: U.S.Iranian Relationship In 2030*. Washington: Strategic Studies Institute.
- Rome, Henry. (2022). The Limits of a New Iran Nuclear Deal. *Foreign Affairs*. Access in:
- Ross, Dennis. (2021). The Coming Iran Nuclear Talks: Openings and Obstacles. *Washingtoninstitute*. Access in:
- Salem, Paul. (2019). Five scenarios for the US-Iran conflict. *Middle East Institute*. Access in:
- Satloff, Robert. (2022). Three Presidents, Three Flawed Iran Policies, and the Path Ahead. *Washingtoninstitute*. Access in:
- Semenov, Kirill. (2021). Confrontation between US, pro-Iranian groups in Syria and Iraq poses challenges for Russia. *Almonitor*. Access in:
- Slavin, Barbara. (2022). The potential side benefits of a revived JCPOA for Middle East stability. *Atlantic council*. Access in:
- Smith, Will. (2021). How the Soleimani Strike Hurt U.S. Interests in Iraq. *Nationalinterest*. Access in:
- Vohra, Anchal. (2022). It's Time to Give the Revolutionary Guards a Concession. *Foreign policy*. Access in:
- Waltz, Kennet. (1979). *Theory of International Politics*. New York: Hill Publishing Company.
- Wolfsthal, Jon. (2022). Iran's nuclear potential can be cut, but not eliminated. *Bulletin of the Atomic Scientists*. Access in:
- Wright, Robin. (2022). The Looming Threat of a Nuclear Crisis with Iran. *Newyorker*. Access in:
- Yadlin, Amos. (2022). Israel's New Strategy. *Foreign Affairs*. Access in.